

از اواخر خردادماه سال جاری، موضوع بحران بدهی یونان و مذاکرات این کشور با اتحادیه‌ی اروپا، در صدر اخبار قرار گرفت. دستور کار جلسات یاد شده بین یونان و تروئیکا (ارگان سه‌گانه اتحادیه اروپا شامل کمیسیون اروپا، بانک مرکزی اروپا و صندوق بین‌المللی پول) توافق بر سر چگونگی تغییر ساختار اقتصادی آن کشور به منظور تأمین منابع مالی لازم برای بازپرداخت بدهی به بانک‌ها و دولت‌های اروپایی بوده است.

## ➤ آغاز روند بدهی یونان

یونان کشوری است با حدود ۱۳۱ هزار کیلومتر مربع مساحت و حدود ۱۱ میلیون جمعیت. در یک نقطه استراتژیک در جنوب شبه جزیره‌ی بالکان قرار گرفته و دهه‌ها جزیره بخشی از خاک یونان را تشکیل می‌دهد. این کشور در جریان جنگ جهانی دوم به اشغال کامل آلمان درآمد. مبارزات پارتیزان‌های ضد فاشیست، نقش مهمی در تضعیف جناح جنوبی ارتش رایش بازی کرد. به همین مناسبت، پس از شکست نازیسم و آزادی یونان، نیروهای چپ نقش مهمی در حیات سیاسی یونان پس از جنگ بازی کردند. با اقدامات هماهنگ امپریالیست‌های آمریکایی و انگلیسی با نیروهای ارتجاعی داخلی، سرکوب‌خشی در سال ۱۹۴۸ در داخل یونان آغاز گردید که منجر به شکست نیروهای چپ شد. نهایتاً پس از تسلط کامل نیروهای راستگرا و وابستگان به امپریالیسم، در سال ۱۹۵۱ یونان به عضویت ناتو درآمد.

اما مبارزات ملی و طبقاتی پایان نیافت و دستاوردهای قابل توجهی در زمینه‌ی حقوق دموکراتیک نصیب مردم گردید. عدم موفقیت جناح راست در حفظ سنگرهای خود، منجر به پیشروی بیشتر نیروهای مردمی و چپ یونان گردید تا آنجا که نهایتاً آمریکا را وادار نمود تا یک کودتا (مشابه کودتای ۲۸ مرداد) در یونان طراحی و اجرا نماید. سرهنگان یونان به مدت ۷ سال (از ۱۹۶۷ تا ۱۹۷۴) بر یونان حکومت کردند. طبق معمول، این حکومت خونین همراه با تثبیت قدرت سرمایه‌داری وابسته در داخل یونان بود. در اثر مبارزات ملی و پشتیبانی جهانی از نیروهای ضد فاشیست، حکومت سرهنگان سقوط کرد اما در پشت سر خود یک بدهی خارجی نیز بر جای گذاشت و این نقطه‌ی آغاز ماجراست.

## ➤ ریشه‌های بدهی در کشورهای سرمایه‌داری

این بدهی، بحران نیافرید. چرا که هنوز گرایش مسلط در نظام سرمایه‌داری جهانی، سرمایه‌گذاری هرچه بیشتر بود. هنوز هجوم سرمایه‌های مالی برای بلعیدن منابع آغاز نشده بود و مقررات حاکم بر نظام‌های بانکی و مناسبات بین‌المللی جهان سرمایه‌داری، مانع فروپاشی اقتصاد کشورهای دارای نظام کاپیتالیستی - به‌ویژه در رده‌ی کشورهای نزدیک به مرکز مناسبات سرمایه‌داری و اعضای ناتو - بود.



## درس‌های بحران بدهی یونان

### کوروش تیموری فر

روز یکشنبه ۲۰ سپتامبر ۲۰۱۵، مردم یونان برای دومین بار در سال جاری به پای صندوق‌های رای انتخابات پارلمانی رفتند.

این بار هم مانند انتخابات پیشین (در ۲۵ ژانویه ۲۰۱۵) مردم حزب سیریزا را برای تشکیل دولت جدید برگزیدند. گرچه این حزب با کسب ۱۴۵ کرسی (۴ کرسی کمتر از انتخابات قبل) اکثریت نسبی آرا را به دست آورد، اما تعداد پایین شرکت‌کنندگان (۵۴ درصد واجدین شرایط) نشان دهنده روزهای دشوار آینده برای الکس سیپراس رهبر حزب خواهد بود.

انشعاب از چپ و تشکیل حزب "اتحاد ملی" اولین زنگ خطر برای اوست. تعداد بسیار زیاد "ناامیدان" نشان از شکل‌گیری خاموش یک جنبش مقاومت در مقابل به اصطلاح "اصلاحات" تحمیلی ترویکا در آینده نزدیک است.

مقاله زیر پس از فراندوم تاریخی و «نه» بزرگ مردم یونان به سیاست‌های ضد مردمی پیشنهادی ترویکا و تسلیم حزب سیریزا در مقابل تهدیدات قلدران و سرکردگان مالی اروپا به رهبری آنگلا مرکل صدر اعظم آلمان و زیر پا گذاشتن برنامه استراتژیک حزب و قول‌های انتخاباتی آن تهیه شده بود که با توجه به عدم تغییر مسیر حرکت دولت یونان، متأسفانه مطالب مندرج در آن همچنان معتبر است.

برای آشنایی مختصر با مکانیزم عملکرد این نظام بانکی، بخش کوتاهی از گفتار بیست و دوم از کتاب "بیست و سه گفتار درباره‌ی سرمایه‌داری" نوشته‌ی هاجون چانگ (شاگرد جوزف استیگلیتز، برنده‌ی جایزه‌ی نوبل اقتصاد) ترجمه ناصر زرافشان را نقل می‌کنیم: "... در روزگار گذشته، وقتی کسی از بانک پول قرض می‌کرد و خانه‌ای می‌خرید، بانک وام دهنده معمولاً فرآورده‌ی مالی بدست آمده را تملک می‌کرد (یعنی دارایی حاصله را در رهن خود می‌گرفت) و کار به همینجا تمام می‌شد. اما نوآوری‌های مالی، اوراق بهادار به پشتوانه‌ی وام‌های رهنی را به وجود آورد که تا هزارها وام رهنی مختلف را گرد هم می‌آورد. این اوراق بهادار به پشتوانه وام‌های رهنی، به نوبه‌ی خود گاهی تا ۱۵۰ مورد از آنها، در یک تعهد وثیقه دار، بسته بندی می‌شد. آنگاه این تعهدات وثیقه‌دار را دیگر تعهدات بدهی وثیقه‌دار، به عنوان وثیقه به کار می‌بردند و به توان دو می‌رسید. آنگاه با ترکیب تعهدات وثیقه‌دار در مربع تعهدات وثیقه‌دار، این تعهدات وثیقه‌دار به توان سه می‌رسید. حتی تعهدات وثیقه‌دار پر قدرت‌تر هم ایجاد می‌شد. معاوضه‌ی نکول اعتباری ایجاد شد تا از شما در برابر نکول و تعهدات وثیقه‌دار حمایت کند؛ و مشتقه‌های مالی بسیار بیشتری هم وجود دارند که آش درهم جوشی را تشکیل می‌دهند که "مالیه‌ی مدرن" نامیده می‌شود.

تا اینجا حتی خودم هم گیج شده‌ام (و همچنان که روشن می‌شود مردمی که با این ابزارها سروکار داشتند نیز چنین بودند)، اما نکته این است که همان دارایی‌های بنیادی (یعنی خانه‌هایی که در رهن اولیه بودند) و فعالیت‌های اقتصادی (فعالیت‌های درآمدزای دارندگان وام‌های رهنی) دوباره و دوباره مورد استفاده قرار می‌گرفتند تا دارایی‌های جدید از آنها مشتق شود... نتیجه، ساختار هر روز دور و درازتری از دارایی‌های مالی است که بر بنیاد همان دارایی‌های واقعی قرار دارد... تعجبی ندارد که وارن بافت، مالیه‌چی آمریکایی درست پیش از آن که بحران ۲۰۰۸، ویرانگری این ابزارهای جدید را نشان دهد، مشتقه‌های مالی را "سلاح‌های کشتار جمعی مالی" نامید. " (پایان نقل قول).

وزش نسیم بحران مالی ۲۰۰۸، طی چند ساعت اروپا را فرا گرفت و در ضعیف‌ترین حلقه‌های زنجیر اتحادیه‌ی اروپا، یعنی یونان، اسپانیا، پرتغال، ایتالیا، ایرلند و ایسلند تبدیل به گردباد شد.

بانکهای این کشورها در آستانه‌ی ورشکستگی قرار گرفتند. در نتیجه، بانکهای کشورهای قوی‌تر اروپایی مانند آلمان و فرانسه و هلند نیز به شدت مقروض شدند؛ چرا که اوراق قرضه‌ی منتشره توسط کشورهای ضعیف‌تر را خریداری کرده بودند و انتظار سودهای هنگفتی داشتند. ورشکستگی این دسته از کشورها، به معنای ورشکستگی بانکهای کشورهای قدرتمند بود. لاجرم، اولین بسته‌ی "نجات مالی" از طرف دولت‌های مقتدر

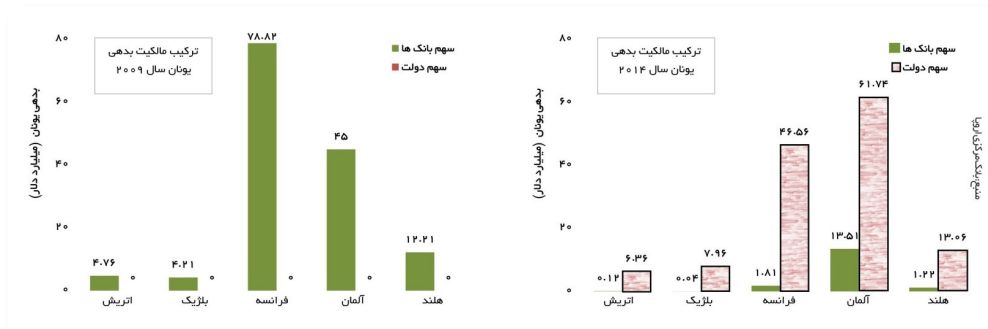
همانگونه که می‌دانیم، "اقتصاد رفاه" بعنوان مدلی از "موفقیت" سرمایه‌داری در مقابل اردوگاه سوسیالیستی موجود در آن زمان، بر مبنای تئوری‌های اقتصادی "کینز" شکل گرفته بود. بر طبق باورهای این نظام فکری، به منظور ایجاد یک الگوی آلترناتیو در مقابل مدل اقتصاد سوسیالیستی، کشورهای دارای نظام سرمایه‌داری ضمن توسعه‌ی زیرساخت‌های اقتصادی (رشد بنگاه‌های صنعتی، گسترش خطوط ارتباطی، تمرکز منابع حیاتی برای گسترش تولید، ایجاد تسهیلات برای واگذاری اعتبارات، حفظ قدرت خرید توده‌های مردم به منظور ایجاد تقاضای مؤثر و...)، رفاه نسبی را برای جمعیت کشور خود فراهم می‌نمودند. برای اولین بار پس از جنگ جهانی دوم برای مقابله با نفوذ روز افزون اندیشه‌ی عدالت اجتماعی سوسیالیستی، انواع بیمه‌های بیکاری و درمان و بازنشستگی در جهان سرمایه‌داری برقرار گردید.

با قدرت گیری هرچه بیشتر سرمایه‌ی مالی، تئوری اقتصادی "مکتب شیکاگو" به تدریج جای خود را در حاکمیت کشورهای سرمایه‌داری و در رأس آنها، ایالات متحده آمریکا، باز کرد. روش پیشنهادی این مکتب به طور خلاصه چنین بود: "دست دولت از اقتصاد، کوتاه!" بدین معنا که دولت نباید هیچ دخالتی در تنظیم بازار، مراکز سرمایه‌گذاری، ایجاد مقررات برای نظام بانکی و برنامه‌ریزی اقتصادی داشته باشد. خود "دست نامربی" بازار، همه‌ی کارها را سامان خواهد داد. این روش ابتدا در کشور شیلی پس از کودتای پینوشه در سال ۱۹۷۳، سپس در کشور آرژانتین پس از کودتای خورخه ویدالا در سال ۱۹۷۶ و چند کشور پیرامونی تحت نفوذ امپریالیسم آمریکا به آزمایش گذاشته شد. نتایج دوگانه‌ی این اقدامات (رشد اقتصادی در کنار افزایش شدید بدهی به سیستم مالی بین‌المللی) برای توسعه اقتصاد کشورها در مجموع منفی بود. اما از آنجا که شکست این اقدامات نصیب مردم شده بود و پیروزی آن نصیب بانکها و سرمایه‌ی مالی، طبعاً هیات حاکمه‌ی کشورهای پیشرفته سرمایه‌داری با شوق و شغف آغاز به پیاده نمودن این نظام در کشورهای خود کردند.

با به قدرت رسیدن تاجر در انگلستان و ریگان در آمریکا، پیاده سازی این مدل در این دو کشور به سرعت پای گرفت و دامنه‌ی آن به بقیه‌ی کشورهای جهان سرمایه‌داری و کشورهای پیرامونی کشیده شد.

با فروپاشی سیستم جهانی سوسیالیستی، دیگر رقیبی برای این مدل وجود نداشت. بحران‌های ادواری سرعت گرفت و دوره‌های رونق - رکود به فواصل کوتاهی از یکدیگر، دامن اقتصاد را فراگرفت. در بحران سال ۲۰۰۸، با سقوط بانک "لمن برادرز"، حباب معروف ترکیب و کل جهان سرمایه‌داری را گرفتار بحرانی کرد که این بار نه ادواری، بلکه ساختاری بود.

## نمودار شماره ۲- انتقال بدهی از دوش بانکها به دوش دولتها



درست در زمانی که روزنامه‌ها و رسانه‌های دست راستی کشورهای مقتدر و در رأس آنها، آلمان، در صفحات اول خود، مردم یونان را متهم به ولنگاری و خوشگذرانی و تبلی می‌کردند و از دولتهای خود می‌پرسیدند که چرا باید به این مردم "کمک مالی" کرد، در واقع دولتهای اروپایی مشغول "بدهکار کردن" مردم یونان و نجات بانکهای خود از ورشکستگی بودند. نمودار شماره ۱، نشان دهنده‌ی آن است که بسته‌ی نجات مالی برای یونان، در ۸۹٪ آن، فوراً صرف پرداخت سود و بازپرداخت بخشی از بدهی‌ها به بانکهای اروپا و نهایتاً نجات بانکها شد. تنها ۱۱٪ این بسته صرف جبران کسری بودجه دولت یونان گردید.

همچنین نمودار شماره ۲ نشان می‌دهد که بسته‌های مالی اول و دوم (که در بهار سال ۲۰۱۲ به یونان تعلق گرفت)، چگونه بدهی‌ها را از دوش بانکها برداشته و به دوش دولتهای وام دهنده انداخته است.

## آثار تسلط سرمایه‌داری مالی بر جهان سرمایه‌داری

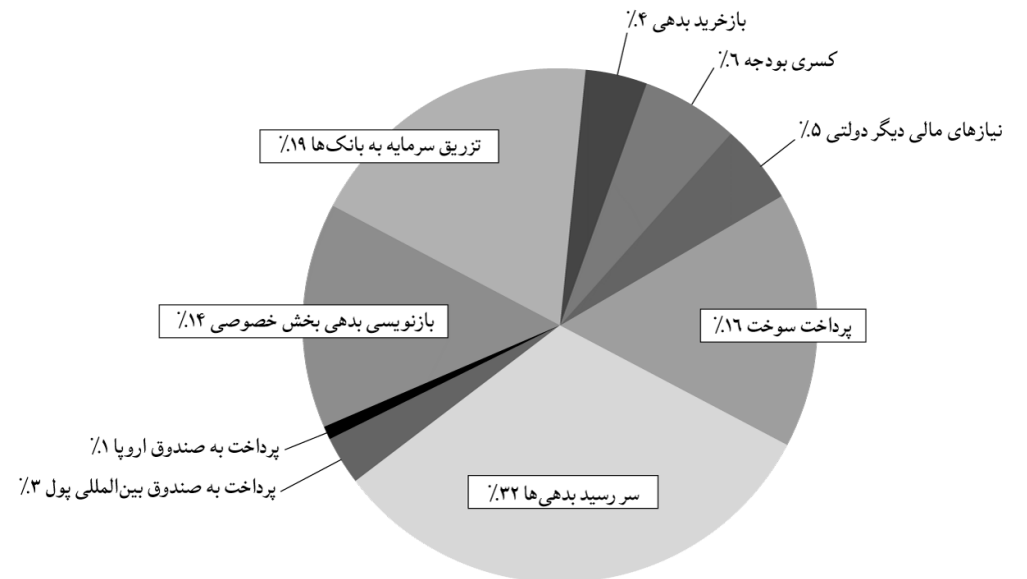
تقریباً هیچ کشور غیر بدهکاری در جهان وجود ندارد. در حال حاضر نسبت میزان بدهی به تولید ناخالص داخلی برای کره زمین، به رقم عجیب و بی‌سابقه‌ی ۲۸۶٪ رسیده است. میزان بدهی ثبت شده در جهان، ۲۰۰/۰۰۰ میلیارد دلار (۲۰۰ تریلیون دلار) است. یعنی به ازای هر فرد زنده روی کره زمین، ۲۸۰۰۰ دلار بدهی وجود دارد.

معنی این عبارت آن است که این میزان بدهی هیچگاه قابل پرداخت نیست. حتی اگر کشورهای "ثروتمند" تصمیم بگیرند که به کشورهای مبتلا به بحران جهان، کمک مالی نمایند، توان آن را ندارند. بزرگترین کشور ثروتمند جهان، یعنی ایالات متحده آمریکا، خود بیشترین بدهی جهان را داراست. میزان بدهی آمریکا از مرز ۱۸ تریلیون دلار گذشته؛ یعنی به ازای هر فرد آمریکایی حدود ۶۰/۰۰۰ دلار بدهی ثبت شده است.

اروپایی در اختیار دولت یونان قرار گرفت. اما ماهیت این بسته چه بود؟!

در واقع بانکهای مقتدر، جمعاً حدود ۱۶۰ میلیارد دلار اوراق قرضه‌ی منتشره توسط دولت یونان را که بوسیله‌ی بانکهای یونانی خریداری شده بود، خریدند. آنان از بانک مرکزی اروپا، وامهایی با بهره‌ی بین ۱/۷۵٪ تا ۲/۵٪ دریافت کردند و اوراق قرضه‌ای را خریدند که بهره‌ی آن بین ۶٪ تا ۱۶٪ بود! مابه‌التفاوت بهره‌ای که بانکهای مقتدر باید از بانکهای یونانی می‌گرفتند و به بانک مرکزی اروپا می‌پرداختند، سرمایه‌ی مالی عظیمی را نصیب این بانکها می‌کرد. در طول بحران مالی سال ۲۰۰۸ تا ۲۰۱۱، بانکهای آلمان جمعاً ۴۵۰ میلیارد دلار از محل دوشیدن یونان و دیگر کشورهای مقروض، سود کردند. بسته‌ی نجات مالی، از طرف دولتهای مقتدر اروپایی به دولت یونان پرداخت شد تا فوراً به دست بانکهای کشورهای وام دهنده برسد. در واقع این دولتها، بانکهای خود را از ورشکستگی نجات دادند، آن هم با انتقال سهم بدهی به دوش مردم یونان! اینجاست که مخالفان سینه چاک دخالت دولت در اقتصاد، تبدیل به طرفداران سینه چاک دخالت دولت می‌شوند!

## نمودار شماره ۱- سهم دولت یونان و سهم نظام مالی از بسته نجات



جدول ۱: سهم سود و سهم مزد از درآمد ملی در شماره از کشورهای عضو OECD

کشور	سهم سود از درآمد ملی	سهم مزد از درآمد ملی
یونان	۵۲/۴	۳۴/۳
آلمان	۳۹/۳	۵۰/۸
ایرلند	۵۰/۲	۴۱/۱
اسپانیا	۴۳/۵	۴۷/۲
سوئد	۳۳/۲	۴۷/۵
انگلستان	۳۷/۲	۵۰/۲
آمریکا	۴۱/۴	۵۳/۹

(منبع OECD: براساس مازاد ناخالص عملیاتی و پرداخت به شاغلین به نسبت تولید ناخالص داخلی، آمار فصل اول ۲۰۱۵. با احتساب مالیات بر تولید، جمع هر ردیف ۱۰۰ خواهد شد).

این جدول روشنگر بسیاری از حقایق است. کاملاً روشن است که سهم سود از درآمد ملی در یونان، بیشتر از بقیه کشورهای لیست است. اما صندوق بین‌المللی پول به شدت مخالف بستن مالیات بر بنگاه‌ها و ثروتمندان در یونان است. در نتیجه بار مقابله با بحران بر دوش مردم خواهد افتاد. با توجه به رشد شدید بیکاری (حدود ۳۰٪) که نرخ بسیار بالایی است، بسیاری از خانوارها تنها با استفاده از حقوق بازنشستگی و دیگر پرداخت‌های دولتی زندگی می‌کنند. پرداخت‌هایی که تحت فشار تروئیکا، هرچه بیشتر کاهش خواهند یافت.

ادعای صندوق بین‌المللی پول را می‌شد پذیرفت اگر کاهش مالیات، منجر به سرمایه‌گذاری بیشتر می‌شد. اما همان‌گونه که گفتیم گرایش به سرمایه‌گذاری به شدت نزول یافته است. جدول ۲ به خوبی این موضوع را نشان می‌دهد:

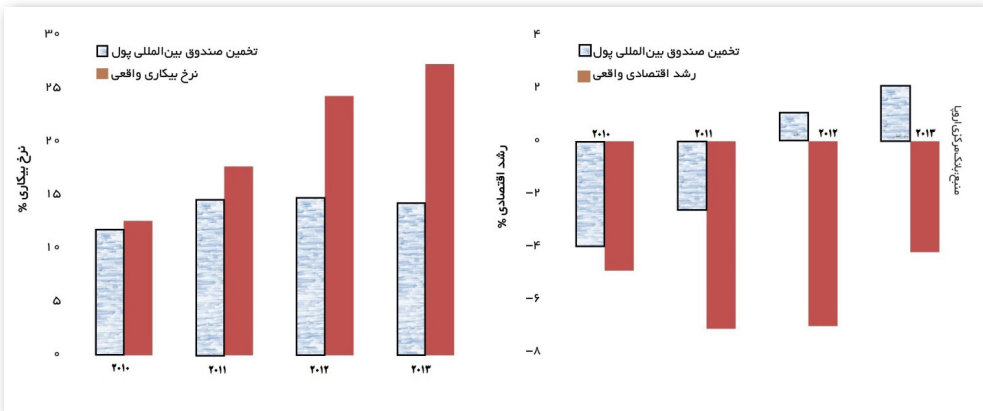
۸ سال پیش - یعنی پیش از آغاز بحران اخیر - این رقم نصف مقدار موجود بود. عملاً امکان بازپرداخت وجود ندارد. در مرکز اتحادیه‌ی اروپا نیز وضع بهتر از این نیست. نسبت بدهی به تولید ناخالص داخلی برای اسپانیا ۹۵٪، ایتالیا ۱۳۲٪، فرانسه ۹۵٪، بلژیک ۱۰۶٪، ایرلند ۱۰۹٪، پرتغال ۱۳۰٪ و آلمان ۸۵٪ است. در چنین اوضاعی، ۱۵۰۰ تریلیون دلار حباب مشتقات مالی، همچنان رو به رشد است. ترکیدن این حباب، چندین برابر بحران سال ۲۰۰۸ به جهان آسیب خواهد رساند.

آیا در چنین شرایطی، میزان رشد سرمایه‌گذاری مؤلّد، امکان بازسازی مناسب را به اقتصاد جهان خواهد داد؟ مطلقاً چنین نیست. ارقام فوق نشانگر "موهومی" بودن سرمایه است (Fictitious Capital). از دهه‌های پیش، ادغام شرکت‌های رقیب در یکدیگر، در تمام عرصه‌ها منجر به ظهور انحصارات غول پیکری شده که گردش سرمایه آنها، از بودجه‌ی سالانه بسیاری از کشورهای پیشی گرفته است. این پدیده باعث افزایش شدید سود آنها شده است. اما مشکل اصلی آن است که این سود، صرف سرمایه‌گذاری نمی‌شود. مدت‌هاست که بخش اعظم سود شرکت‌ها صرف: (۱) خرید سهام خود این شرکت‌ها به قصد افزایش بهای هر واحد سهم؛ (۲) پرداخت سود سهام بیشتر به سهامداران و (۳) احتکار پول می‌گردد.

احتکار پول در "بهشت‌های مالیاتی" و خرید عمده‌ی سهام توسط خود سهامداران، دو عامل اصلی هستند که مانع سرمایه‌گذاری مولد شده‌اند. به ارقام زیر توجه فرمایید:

در سال ۱۹۷۱، نسبت سرمایه‌گذاری (یعنی نسبت انباشت ناخالص سرمایه ثابت به مازاد ناخالص بنگاه‌ها) برابر ۶۲٪ بود. اما این نسبت در سطح جهان امروزه به ۴۶٪ رسیده است. برخی از "صاحبانظران" در دهه‌ی هفتاد عنوان می‌کردند که بالا بودن نرخ مالیات بنگاه‌ها، عاملی اصلی کاهش میزان سرمایه‌گذاری است. این "صاحبانظران" همان مبلغان مکتب شیکاگو هستند و خواهان قطع کامل دست دولت در اداره‌ی اقتصاد هستند (و البته همانگونه که دیدیم این دست را فرامی‌خوانند تا به موقع به نجات جنایتکاران اقتصادی‌ای بشتابند که از "سلاح کشتار جمعی مالی" استفاده می‌کنند و اکنون در آستانه‌ی ورشکستگی قرار دارند). اما این ادعا، بطالت خود را در عمل نشان داد. بعنوان مثال، سهم مالیات بنگاه‌ها در درآمدهای دولت فدرال ایالات متحده آمریکا که در سال ۱۹۵۲ معادل ۳۲٪ بود، در سال ۲۰۱۴ به ۸/۹٪ کاهش یافت. اما همانگونه که دیدیم، نه تنها نسبت سرمایه‌گذاری کاهش یافته است، بلکه در عین افزایش سود، شاهد کم شدن ظرفیت تولید نیز بوده‌ایم. به جدول زیر توجه فرمایید:

### نمودار شماره ۳ - تفاوت شدید پیش بینی ها و واقعیات



نرخ بیکاری دوبرابر مقدار پیش‌بینی افزایش یافت. یونان در اثر اجرای دستورالعمل‌ها، جمعاً ۲۷٪ تولید ناخالص داخلی خود را در طول ۴ سال از دست داد. تعداد کارمندان دولتی بیش از ۳۰٪ کاهش داشت. مستمری بازنشستگی‌ها تا ۴۸٪ کاهش یافته‌است. از متوسط دستمزدها ۳۷٪ کاسته شده‌است. در طول ۴ سال گذشته، بیش از ۳ میلیون نفر به زیر خط فقر رانده شده‌اند (حدود ۳۰٪ جمعیت).

اینک با توافق اخیر بین یونان و اتحادیه اروپا، صندوق خصوصی‌سازی که پس از انتخاب سیریزا در ژانویه ۲۰۱۵ عملاً تعطیل شده بود، اینک دوباره فعال گردیده‌است. در لیست فروش این صندوق، عناوین و ردیف‌هایی دیده می‌شود که به معنای چوب حراج زدن به خاک یونان و حق حاکمیت ملی این کشور است:

- استادایوم‌های المپیک
- فرودگاه بین‌المللی آتن
- ۳۷ فرودگاه منطقه‌ای
- بندر پیرائوس و ۱۰۰٪ سهام ۱۱ بندر دیگر
- تعداد بسیار زیادی اسکله
- مناطق توریستی
- مستغلات دولتی مخصوصاً در جزایر زیبا
- چشمه‌های آب گرم کشور

### جدول ۲: سهم سود، سهم سرمایه‌گذاری، و سود سرمایه‌گذاری نشده نسبت به تولید ملی (به درصد)

کشور	سهم سود به درآمد ملی	سهم سرمایه‌گذاری بنگاه‌ها	سهم سود سرمایه‌گذاری نشده	سهم سرمایه‌گذاری در کل اقتصاد
یونان	۵۲/۴	۴/۴	۴۸	۱۱/۶
آلمان	۳۹/۳	۱۱/۵	۲۷/۸	۲۰
ایرلند	۵۰/۲	۱۱/۴	۳۸/۸	۱۶/۴
اسپانیا	۴۳/۵	۱۳/۵	۳۰	۱۸/۹
سوئد	۳۳/۲	۱۶/۳	۱۶/۹	۲۳/۳
انگلستان	۳۷/۲	۱۰	۲۷/۲	۱۷/۲
آمریکا	۴۱/۴	۱۰/۲	۳۱/۲	۱۸/۹

این جدول علت اصلی بحران را نشان می‌دهد. ۹۰٪ از سود، سرمایه‌گذاری نمی‌شود. می‌بینیم که در بقیه کشورها نیز سهم سود سرمایه‌گذاری نشده، بسیار بیشتر از سهم سرمایه‌گذاری است. یونان کمی افراطی‌تر است. از این هم بدتر، آن که با وجود بالابودن سود خالص بنگاه‌ها این نقدینگی در بانک‌های یونان نگهداری نمی‌شود. آمار بانک مرکزی یونان نشان می‌دهد که پس‌انداز بنگاه‌های یونانی در بانک‌های یونان، در سال منتهی به آوریل ۲۰۱۵، حدود ۸ میلیارد یورو (۴/۵٪ تولید ناخالص داخلی) کاهش داشت. این خود به معنی غارت است: حداقل سرمایه‌گذاری با نرخ بهره‌کشی بالا، منجر به سود قابل توجهی می‌گردد که به جای سرمایه‌گذاری، به بانک‌های خارجی منتقل می‌گردد.

کمیسیون اروپا و بانک مرکزی اروپا و صندوق بین‌المللی پول، دروغ می‌گویند که عدم رعایت دستورالعمل‌ها باعث ایجاد بحران گردیده است. درست برعکس. رعایت دقیق دستورالعمل‌ها چنین فاجعه‌ای را رقم زده‌است. نمودار ۳ بخشی از «اشتباه محاسباتی» تروئیکا را نشان می‌دهد:

- ۱۲. استفاده از ساختمان‌های دولت، بانکها و کلیسا جهت اسکان بی خانمان‌ها.
- ۱۳. افتتاح ناهارخوری‌ها در مدارس دولتی و ارائه صبحانه و ناهار رایگان به کودکان.
- ۱۴. ارائه امکانات و خدمات بهداشتی رایگان به بیکاران، بی خانمان‌ها و افراد کم درآمد.
- ۱۵. کمک مالی تا ۳۰٪ پرداخت‌های رهنی به خانواده‌های فقیری که توانایی پرداخت ندارند.
- ۱۶. افزایش سوبسیدها برای بیکاران. افزایش حمایت‌های اجتماعی برای خانواده‌های تک سرپرست، سالمندان، معلولین و خانواده‌های بدون درآمد.
- ۱۷. کاهش مالیات بر کالاهای اساسی.
- ۱۸. ملی کردن بانکها.
- ۱۹. ملی کردن کمپانی‌های (تاسیساتی، خدماتی) غیر دولتی در بخش‌های استراتژیک برای رشد کشور (راه آهن‌ها، فرودگاه‌ها، پست و آب).
- ۲۰. اولویت دادن به انرژی‌های تجدید پذیر و محافظت از محیط زیست.
- ۲۱. دستمزد برابر برای زنان و مردان.
- ۲۲. محدود کردن استخدام مشروط و حمایت از قراردادهای دائم.
- ۲۳. گسترش حمایت از کار و دستمزد کارگران نیمه وقت.
- ۲۴. اعاده قراردادهای کار جمعی.
- ۲۵. افزایش بازرسی کار و الزامات برای کمپانی‌هایی که در مناقصه‌های قراردادهای دولتی شرکت می‌کنند.
- ۲۶. اصلاحات قانونی جهت تضمین جدایی دولت از کلیسا و حمایت از حق آموزش، مراقبت‌های بهداشتی و دفاع از محیط زیست.
- ۲۷. برگزاری رفراندوم پیرامون معاهدات و توافقات با اروپا.
- ۲۸. الغای امتیازات اعضای پارلمان. لغو مصونیت قضایی وزرا و دادن مجوز به دادگاه‌ها جهت اقامه دعوی علیه اعضای دولت.
- ۲۹. غیر نظامی کردن گارد ساحلی و نیروهای ویژه ضد شورش. منع پلیس از استفاده از ماسک و سلاح گرم در تظاهرات‌ها. تغییر دوره‌های آموزشی برای پلیس به گونه‌ای که موضوعات اجتماعی نظیر مهاجرت، مواد مخدر و عوامل اجتماعی برجسته گردد.

• هتل‌های دارای ارزش تاریخی و فرهنگی در مناطق جذاب

و در پایان شرکت انرژی عمومی S-A که در واقع انرژی مورد نیاز ۸۰٪ جمعیت را تولید می‌کند.

این گروه از اموال عمومی نیز در انتظار نوبت بعدی حراج قرار دارند: یک شرکت واردکننده گاز، سه شرکت پالایش نفت، شرکت آب آتن، شرکت پست ELTA، بیش از ۷۰۰ کیلومتر جاده، شرکت حمل و نقل ریلی و اتوبوس و چند شرکت بزرگ دولتی دیگر.

## سیریزا: از شعار تا عمل

جبهه‌ی سیریزا که مجموعه‌ای است از نیروهای ملی‌گرا، دموکرات و چپ، پس از سال‌ها تلاش، در ژانویه ۲۰۱۵ با یک برنامه مترقی و با به دست آوردن حدود ۴۰٪ آرا، موفق به تشکیل دولت شد. رئیس برنامه این جبهه در انتخابات چنین بود:

۱. ممیزی و رسیدگی به وضعیت بدهی عمومی و مذاکره مجدد پیرامون موعد پرداخت بهره و تعلیق پرداخت‌ها تا احیای مجدد اقتصاد و بازگشت رشد و اشتغال.
۲. تقاضا از اتحادیه اروپا جهت تغییر نقش بانک مرکزی اروپا به گونه‌ای که دولت‌ها و برنامه‌های سرمایه‌گذاری در بخش عمومی را تامین مالی کند.
۳. افزایش مالیات بر درآمد تا ۷۵٪ برای تمام درآمدهای بیش از ۵۰۰۰۰۰ یورو.
۴. تغییر قوانین انتخاباتی به یک نظام تناسبی - سهمیه‌ای.
۵. افزایش مالیات کمپانی‌های بزرگ تا سطح میانگین در اروپا.
۶. اعمال مالیات بر معاملات و نقل و انتقالات مالی و اعمال مالیات ویژه بر کالاهای لوکس.
۷. ممنوع کردن کلیه مشتقات مالی سفته بازانه و قماری.
۸. الغای امتیازات مالی کلیسا و صنعت کشتی سازی.
۹. مبارزه با اقدامات محرمانه بانک‌ها و فرار سرمایه به خارج.
۱۰. کاهش شدید هزینه‌های نظامی.
۱۱. افزایش میزان حداقل دستمزد به سطح قبل از کاهش هزینه‌ها و اقدامات ریاضتی، ۷۵۰ یورو در ماه.

پاسخ ۶۲٪ مردم «نه» بود. این رفتار دوم در تاریخ ۵ جولای اجرا شد. اما فردای آن روز در یک چرخش ۱۸۰ درجه‌ای باورنکردنی، شخص آلکسی سیپراس - رهبر سیریزا - فرماندهی جریانی را به دست گرفت که مطیعانه تسلیم خواسته‌های اتحادیه اروپا گردید و بدین ترتیب مردم را به مسلخ «اصلاحات» یا به عبارت دیگر «حراج کشور» هدایت نمود. گرایش راست در سیریزا پیروز شد و تقریباً تمامی مفاد برنامه پیروزی‌بخش سیریزا را زیرپا نهاد. در واقع باید گفت کودتای آرام کشورهای قدرتمند اروپا پیروز شد. تمامی صاحب‌نظران اقتصادی بر این باورند که «کمک» ۸۶ میلیارد یورویی جدید اتحادیه اروپا که حتی یک یوروی آن نصیب دولت یونان نشده و تمامی بابت اصل و فرع بدهی‌های قبلی به بانک‌ها و دولت‌های اروپا برخواهدگشت به معنای فروپاشی کامل اقتصاد یونان و از دست رفتن حق حاکمیت ملی دولت و مردم خواهد بود.

شکی وجود ندارد که این برنامه قابل اجرا نیست و بدهی‌های یونان هیچ‌گاه تسویه نخواهد شد. اما از دید رهبران کشورهای قدرتمند اروپا، این امر اجتناب‌ناپذیر است. چرا که از یک سو با اعمال این روش، موانع جدی بر سر راه پیروزی جنبش‌های مردمی مشابه سیریزا در دیگر کشورهای جنوب اروپا (مانند جنبش «پودوموس» در اسپانیا) برای قدرت‌گیری ایجاد خواهد شد و از سوی دیگر «آزمایشگاه» یونان، نهایی‌ترین حدود خصوصی‌سازی، مقررات زدایی، کاهش دستمزدها، افزایش مالیات مزدگیران، کاهش شدید مالیات بنگاه‌های ثروتمند و دوشیده‌شدن ضعیف‌ترین طبقات و اقشار مردم را نشان خواهد داد.

اگر سیریزا همچنان بر اجرای توافق جدید پافشاری نماید و نخواهد که از بازپرداخت بدهی‌ها سرباز زند، چه با روش‌های دموکراتیک مانند انتخابات قبل یا سر موعد و چه با روش‌های غیردموکراتیک مانند کودتای جناح راست، حکومت را واگذار خواهد کرد.

## یورو یا دراخما؟

در تاریخ ۱۲ نوامبر سال جاری، اولین اعتصاب سراسری یونان با حمایت هر دو سندیکای عمومی بخش‌های دولتی و خصوصی همراه با راهپیمایی و درگیری با پلیس آغاز شد. معنی ساده‌ای در پشت این اتفاق نهفته است: مبارزه مردم برای بهبود وضعیت زندگی خود ادامه دارد. دولت سیریزا از این اعتصاب پشتیبانی کرده است تا قدرت چانه زنی خود را با اتحادیه اروپا بالا ببرد. تداوم این مبارزه در آینده نزدیک، شکاف سیاسی احزاب و طبقات را تعمیق خواهد کرد و دولت سیریزا را یا به سرازیری شکست و یا به تقویت باور ضرورت خروج از حوزه یورو سوق خواهد داد.

آیا بازگشت به دراخما (واحد پول یونان قبل از ورود به حوزه یورو) راه ل مشکل بدهی و یا بهبود اوضاع اقتصادی یونان خواهد بود؟ پاسخ منفی است.

۳۰. تضمین رعایت حقوق بشر در مراکز نگهداری مهاجران.

۳۱. تسهیل فرآیند بهم پیوستن خانواده‌های مهاجر.

۳۲. مجازات زدایی از مصرف مواد مخدر به نفع مبارزه با قاچاق مواد مخدر و افزایش تامین مالی و سرمایه‌گذاری روی مراکز ترک اعتیاد.

۳۳. تعیین و تنظیم حق اعتراض و مخالفت از روی وجدان در قانون.

۳۴. افزایش سرمایه‌گذاری در زمینه بهداشت عمومی تا سطح میانگین اروپا. (میانگین اروپا ۶ درصد GDP است و در یونان ۳ درصد).

۳۵. حذف پرداخت از سوی شهروندان برای دریافت خدمات بهداشتی ملی.

۳۶. ملی کردن بیمارستان‌های خصوصی. حذف مشارکت خصوصی در نظام بهداشت ملی.

۳۷. بیرون کشیدن نیروهای نظامی یونان از افغانستان و بالکان. هیچ سرباز یونانی نباید خارج از مرزهای ما (یونان) حضور داشته باشد.

۳۸. حذف و الغای همکاری نظامی با اسرائیل. حمایت از تشکیل دولت فلسطینی درون مرزهای سال ۱۹۶۷.

۳۹. مذاکره پیرامون یک توافق متعادل و پایدار با ترکیه.

۴۰. بستن تمام پایگاه‌های نظامی خارجی در یونان و خروج از ناتو.

بلافاصله پس از انتخابات، کارزار سنگینی در اتحادیه اروپا به راه افتاد تا هرآنچه ممکن است، دولت جدید یونان را تضعیف نماید. تمامی مقامات ارشد کشورهای قدرتمند بی‌پرده ابراز داشتند که انتخاب سیریزا هیچ تأثیری بر توافقات با دولت‌های دست راستی قبلی نداشته و اراده مردم هیچ نقشی در تغییر خط مشی اتحادیه اروپا نخواهد داشت!

سیریزا در طول شش ماه پس از تشکیل دولت، تمام تلاش خود را انجام داد تا به توافق‌هایی با اتحادیه اروپا دست یابد که میانگین برنامه‌های اعلام شده خود و طلبکاران باشد. در تاریخ ۲۶ ژوئن، هنگامی که نهایتاً آلمان اولتیماتومی را به یونان اعلام نمود که یا شرایط تروئیکا را بپذیرد یا با قطع کمک‌های اضطراری بانک مرکزی اروپا، با تعطیلی کامل بانک‌های یونان رو به‌رو گردد، سیریزا بلافاصله اعلام فراندوم نمود.

در این رفتار دوم، مردم یونان می‌بایستی به این سوال پاسخ دهند که آیا پیشنهادات سنگین، مخاطره آمیز، غیرقابل اجرا و خفت‌بار اتحادیه اروپا را می‌پذیرند یا خیر؟